

تبیین پیوستگی آیات سوره علق براساس روش نیل رابینسون

۱- روح الله محمدعلی نژاد عمران*؛ ۲- حسام امامی دانالو**

۱- استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۲- فارغ التحصیل دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۰۵)

چکیده

پنج آیه آغازین سوره علق، به سبب اخبار موجود مبنی بر ارتباط این آیات با آغاز نزول قرآن کریم و بعثت پیامبر اکرم (ص) در غار حراء، همواره مورد توجه اسلام‌پژوهان مسلمان و غیرمسلمان بوده است. اغلب محققان این آیات را جدا و بی‌ارتباط با دیگر آیات این سوره می‌دانند. در نگاه نخست، ممکن است ارتباط و پیوستگی میان الفاظ و عبارات سوره‌های قرآن روشن نباشد و پیام قابل درکی از آن بر نیاید. مقاله پیش رو، بر اساس مدل ارتباطی نیل رابینسون (Neal Robinson)، که بر پایه تکرار شدن الفاظ استوار است، به تحلیل پیوستگی آیات سوره علق و نقد محتوای اخبار در باب نزول قرآن کریم پرداخته است. تعیین بخش‌های سوره، بررسی ارتباط میان بخش‌های متوالی با کمک واژه‌های قلاب‌دار و در نهایت ارائه مدل آینه‌ای، ارتباط بخش نخست سوره علق، یعنی آیات یک تا پنجم را با سایر بخش‌ها، به‌طور کامل برقرار می‌کند و پیوستگی آیات این سوره که به چینی‌سازی حکیمانه تدبیر یافته، اثبات می‌شود. همچنین، نقد اخباری که بر اساس آنها، نزول آیات این سوره جدا از هم فرض شده است و نیز تاریخ‌گذاری سوره علق نشان می‌دهد که پنج آیه نخست سوره علق کاملاً مرتبط با سایر آیات این سوره است.

کلیدواژه‌ها: اقرأ، اسم، رب، سوره علق، پیوستگی، رابینسون.

*E-mail: alinejad@atu.ac.ir (نویسنده مسئول)

**E-mail: hesam.e.danaloo@gmail.com

۱. مقدمه

قرآن کریم متنی است که در طول بیست و سه سال و در شرایط گوناگون از جمله جنگ، صلح، سفر، حضر و ناظر بر موضوعات گوناگون نازل شده و علاوه بر این شامل آیات محکم، متشابه، ناسخ، منسوخ، عام، خاص و ... است. باین حال، این حکیمانه نخواهد بود که آیات هر یک از سوره‌های قرآن بی دلیل در کنار یکدیگر قرار گرفته باشند. بر این اساس، بررسی تناسب آیات و سور یکی از مباحث مهم در علوم قرآن است. اما تحلیل تناسب آیات با چالش‌هایی نیز روبرو است. برای مثال، بر اساس اخبار آغاز نزول قرآن کریم در غار حرا، پنج آیه نخست سوره علق در کنار هم بر پیامبر اکرم (ص) نازل شده و مدت‌ها بعد سایر آیات به این سوره افزوده شده است. همین امر سبب شده است تا مفسران و مترجمان قرآن دیدگاه‌های گوناگونی در ترجمه آیه نخست این سوره یعنی «أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ» (العلق، ۱) و متعلق یابی فعل (اقرأ) ارائه کنند. به بیان دیگر سؤالی که آنان در پی پاسخ به آن هستند این است که پیامبر اکرم (ص) به موجب آیه «أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ» (العلق، ۱) وظیفه داشته چه چیزی را بخواند؟ آیا آیاتی از قرآن کریم یا چیز دیگری را باید می خوانده است؟ اگر قرار بوده آیاتی از قرآن کریم را بخواند، این فرض با درس ناخوانده بودن پیامبر اکرم (ص) که از آیات قرآن کریم برداشت می شود (برای مثال العنکبوت، ۴۸)، در تعارض است. همچنین آیات سوره علق چه ارتباطی بایکدیگر دارند و چرا در کنار هم قرار گرفته‌اند؟ این سؤالات که حاصل از هم‌گسیختگی ظاهری آیات و بالطبع، ناهمگونی برداشت‌هاست، سبب شده است تا تحلیل تناسب آیات سوره علق یکی از چالش برانگیزترین مسائل تفسیری باشد، زیرا برای تفسیر آیه «أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ»، باید توجه کرد که جدابودن یا نبودن پنج آیه نخست این سوره با تعیین مفعول فعل امر «أَقْرَأْ»،

ارتباط دارد. به بیان دیگر، این فعل باید با فردی که سرکشی می‌کرده (العلق، ۷-۶) و نهی شدن بنده‌ای از نماز (العلق، ۹-۱۰)، ارتباط داشته باشد که به‌طور متوالی در یک سوره به آنها اشاره شده است. از این‌رو، بازاندیشی در ارتباط آیات سوره علق ضروری است و باید به دنبال تحلیلی بود که بتواند به پرسش‌های مذکور پاسخی همه‌فهم بدهد. در این رابطه، به نظر می‌رسد بتوان از روش نیل رابینسون^۱ در تحلیل آیات قرآن کریم بهره برد. مقاله حاضر با محوریت اثبات تناسب آیات سوره علق شکل گرفته و روش مورد استفاده در این مقاله، روش ارتباطی نیل رابینسون است.

تا پیش از این، مقالاتی از حافظ سلیمان (۱۴۰۱) و محمدحسین طباطبائی (۱۴۱۴) چاپ شده است که صرفاً به موضوع اعجاز قرآن کریم پرداخته‌اند. نکونام (۱۳۸۲) نیز درباره آغاز نزول قرآن کریم به پیامبر اکرم (ص) و تاریخ‌گذاری آیات سوره علق مقاله‌ای نوشته است، اما در هیچ‌یک از پژوهش‌ها، به بررسی تناسب آیات سوره علق، بویژه با استفاده از روش نیل رابینسون پرداخته نشده است. بر این اساس، پژوهشی مستقل در کشف، تبیین و اثبات تناسب آیات این سوره، امری ضروری است. از این‌رو پژوهش حاضر که در روش گردآوری مطالب، کتابخانه‌ای است و در نحوه استناد داده‌ها، از شیوه اسنادی پیروی می‌کند و در تجزیه و تحلیل مطالب، روش آن تحلیل محتوایی از نوع توصیفی تحلیلی است، به این مهم می‌پردازد.

۲. مبانی نظری

نیل رابینسون (متولد ۱۹۴۸م.) استاد مطالعات اسلامی دانشگاه ولز و از قرآن‌پژوهان معاصر (شریفی، ۱۳۸۴: ۳۵) ضمن انتشار چندین مقاله درباره قرآن کریم برای

1. Neal Robinson

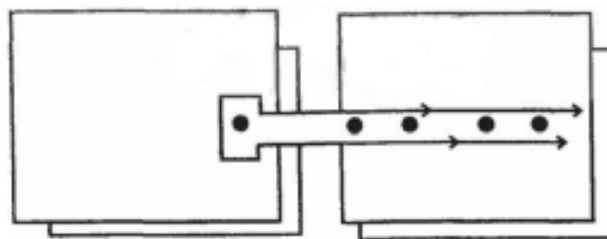
درک پیوستگی آیات قرآن و اثبات انسجام سوره‌های بلندی همچون مائده، روشی جدید ارائه کرده است. او در این مسیر از شواهد لفظی و توجه به شیوه‌های نقد ادبی بهره جسته است تا ضمن ردّ ازهم‌گسستگی و پراکنده‌گویی سوره‌های قرآن کریم، مدلی فراگیر برای ارتباط بخشی آیات این نوع از سوره‌ها ارائه دهد. هرچند روش او بیشتر متناسب با سوره مدنی و بلند قرآن است و در وضع فعلی چندان قابل انطباق با سوره مکی و کوتاه قرآن کریم، از جمله سوره علق نیست، اما به نظر می‌رسد با توجه به اینکه مدل او برای برقراری ارتباط میان بخش‌های یک سوره ارزشمند است، بتوان با افزودن معیارهایی برای تشخیص بخش‌های سوره و رفع نقایص، از مدل او برای تحلیل تناسب آیات این نوع از سوره نیز استفاده کرد.

در تفاسیر سنتی، تناسب آیات قرآن اثر چندانی در تفسیر و فهم عبارات قرآن کریم نداشته است، به‌نحوی که اکثر مفسران در بیان تناسب و پیوستگی آیات، کوشش چندان نکرده‌اند و آیه به آیه و جزئی‌نگرانه عمل نموده‌اند. به‌بیان دیگر، آنان بیشتر ارتباط متوالی آیات هر سوره را به‌صورت خطی در نظر گرفته‌اند و به ارتباط سیاق‌های قرآنی توجهی نداشتند.

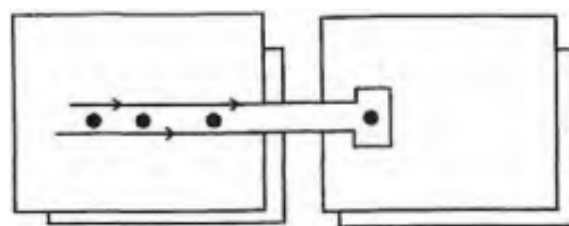
رابینسون، زمانی که با سوره‌های بلند مدنی، همچون سوره مائده، روبرو شد و انتقادات پژوهشگران غربی را درباره پراکندگی موضوعات در این نوع از سوره‌ها دید، در صدد ارائه روشی برای اثبات پیوستگی و تناسب سوره بلند قرآن کریم برآمد. او در این مسیر، نخست بر ساختار کلان سوره تمرکز و معیارهایی را برای بخش‌بندی آن ارائه می‌کند و سپس، روابط میان آنها را توصیف می‌کند. این معیارها شامل شواهدی لفظی است که بر پایه تکرارشدن الفاظ استوار است؛ مواردی نظیر شباهت الفاظ به‌کاررفته در آغاز و پایان یک بخش، عبارت‌های منحصربه‌فرد در آیات آغازین و تکرار همان عبارات در آیات انتهایی یک بخش، تکرار یک کلمه یا

عبارت کلیدی در یک بخش درحالی‌که در بخش‌های قبلی و بعدی چنین کلمه‌ای وجود ندارد (Robinson, 2001: 3). رابینسون، رابطه میان بخش‌های متوالی را با کمک واژه‌های کلیدی قلاب‌دار تبیین می‌کند. واژه‌های قلاب‌دار، به سه نوع تقسیم می‌شوند: در قسم نخست، اصطلاحی ویژه که در یک بخش به کار رفته است، در انتهای بخش پیشین معرفی می‌شود. در قسم دوم که برعکس قسم نخست است، اصطلاح ویژه یک بخش در آغاز بخش بعدی تکرار می‌شود. در قسم سوم، هر دو نوع از تکرار وجود دارد.

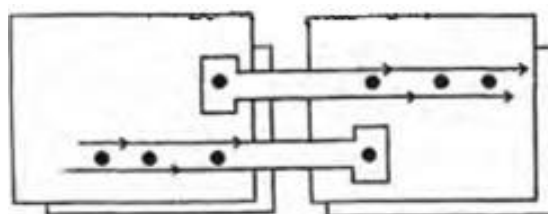
در تصاویر زیر هر سه قسم از اقسام واژه‌های قلاب‌دار نشان داده شده است:



شکل (۱): الگوی اول واژه‌های کلیدی قلاب‌دار



شکل (۲): الگوی دوم واژه‌های کلیدی قلاب‌دار



شکل (۳): الگوی سوم واژه‌های کلیدی قلابدار

سرانجام با توجه به این موارد و پس از بخش‌بندی سوره مورد مطالعه‌اش، چنین توضیح می‌دهد که محتوای نخستین بخش سوره منطبق بر محتوای آخرین بخش همان سوره است و همین‌طور محتوای بخش دوم سوره، منطبق بر بخش یکی مانده به آخر همان سوره است و بخش‌های دیگر نیز چنین است (Robinson, 2001: 1-19). او بیشتر بر روی سوره‌های مدنی بلند، نظیر مائده و بقره، تمرکز کرده است و مدل و معیارهای خود را در پی پاسخ به ایراداتی که نسبت به این سوره‌ها وارد شده بود، سامان داده است، اما به نظر می‌رسد انطباق دادن این مدل به شکل فعلی آن با سوره‌های کوتاه و مکی، دشوار و گاه ناممکن باشد؛ زیرا علاوه بر اینکه اغلب آنها تنها شامل یک بخش هستند، در مواردی که از دو یا سه بخش تشکیل شده‌اند، یافتن معیارهای لفظی که رابینسون طرح کرده است در این دو یا سه بخش پیچیده است. لذا این مدل نیاز به تغییراتی دارد تا با سوره مکی و کوتاه قرآن کریم سازگار شود.

از دیرباز در کتب علوم قرآنی، ویژگی‌هایی برای تشخیص سوره مکی قرآن کریم تعیین شده است. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: وجود لفظ کَلَّا، آیه سجده‌دار، حروف مقطعه، رعایت فاصله در آیات و غیره (رامیار، ۱۳۶۹: ۶۰۷-۶۰۴). افزودن برخی از این موارد به مدل رابینسون سبب انطباق مدل او بر سوره علق، برای تعیین آسان بخش‌های موجود در این سوره می‌شود. این موارد عبارت‌اند از: رعایت فاصله در

آیات یک بخش و وجود الفاظ ردع مانند کلاً از آغاز و انتهای یک بخش. همچنین، از آنجاکه سوره‌های مکی نسبت به سوره‌های مدنی تعداد آیات کمتری دارند، به نظر می‌رسد که در این نوع از سوره‌ها گاه واژه‌های قلاب‌دار به صورت ضمیر به کار رفته‌اند. به این صورت که اگر در بخشی اصطلاح منحصر به فردی وجود دارد، لزوماً آن واژه عیناً به عنوان واژه قلاب‌دار در بخش‌های جانبی به کار نرفته، بلکه گاه در بخش‌های جانبی به صورت ضمیر به آن واژه اشاره شده است.

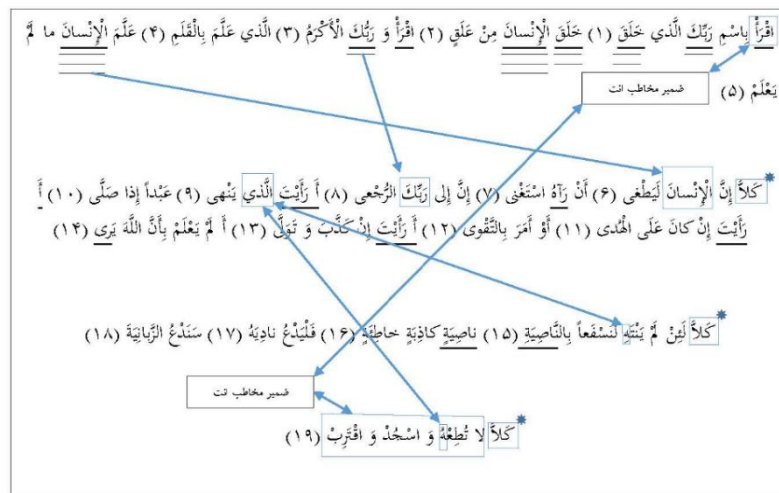
۳. بحث و تحلیل

بنابر مدل رایبسنون، می‌توان پیوستگی سوره علق را براساس روش ارتباطی، ضمن انطباق و صحت‌سنجی این مدل بر روی سوره مورد نظر چنین تبیین کرد.

۳-۱. بخش‌بندی سوره علق

براساس الفاظ به کار رفته در سوره علق، آن را به چهارم بخش تقسیم می‌کنند: بخش نخست آیات ۱-۵، بخش دوم آیات ۶-۱۴، بخش سوم آیات ۱۵-۱۸، بخش چهارم آیه ۱۹. معیار دسته‌بندی مذکور را می‌توان چنین تبیین کرد: در بخش نخست، الفاظ «انسان»، «ربک»، «اقراء»، «خلق»، «علم» هر کدام دوبار تکرار شده‌اند. همچنین، دو لفظ «انسان» و «ربک» واژه‌های قلاب‌دار بخش نخست هستند. این دو واژه در بخش دوم که با لفظ «کلاً» از بخش نخست جدا شده است، هر کدام یکبار تکرار شده‌اند. این نوع از تکرار منطبق با الگوی شماره دو است. بخش دوم با لفظ «کلاً» آغاز و پایان می‌پذیرد و فاصله میان آیات موجود در آن با بخش قبلی تغییر کرده و فاصله میان آیات بخش دوم به طور کامل رعایت شده است. از سوی

دیگر عبارت «أَرَأَيْتَ» در بخش دوم سه بار تکرار شده و به‌طور کلی از مصدر «رأى» پنج بار استفاده شده است و این نشانه‌ها یعنی وجود لفظ «كَلَّا» در آغاز آیه ۶ و تکرار عبارت «أَرَأَيْتَ» و استفاده مکرر از ریشه «رأى» به‌روشنی بخش دوم را از بخش اول متمایز می‌کند. در بخش سوم، یعنی آیات ۱۸-۱۵، علاوه بر وجود لفظ «كَلَّا» در آغاز آیه ۱۵، لفظ «نَاصِيَه» هم دو بار تکرار شده است. همچنین ضمیر موجود در عبارت «لَعْنُ لِمَ يَنْتَه» در آیه ۱۵ که به واژه «الذی» در بخش قبل بازمی‌گردد، می‌تواند نقش واژه قلاب‌دار را میان دو بخش دوم و سوم ایفا کند. بخش چهارم تنها از یک آیه سجده‌دار تشکیل و با لفظ «كَلَّا» که در آغاز آیه ۱۹ قرار دارد، از سایر بخش‌ها مجزا شده است. از سوی دیگر، ضمیر بارز منصوبی «ه» در عبارت «لَا تُطِغُهُ» که به «الذی» در بخش دوم بازمی‌گردد و ضمیر مخاطب در «لَا تُطِغُهُ وَ اسْجُدْ وَ اقْتَرِبْ» که به بخش اول بازمی‌گردند، همگی نقش واژه‌های قلاب‌دار دارند. این موارد در نمودار زیر مشخص شده است:



نمودار (۱): جایگاه و ارتباط واژه‌های قلابدار

بنابر بخش‌بندی فوق، طرح کلی سوره به شکل زیر قابل ترسیم است:

مدل ارتباطی	موضوع هر بخش	بخش‌بندی سوره علق
	دستور به مخاطب برای قرائت و تبیین حمایت او از سوی خداوند	آیات ۱-۵
	معرفی شخصی که مانع انجام فرائض است	آیات ۶-۱۴
	هشدار درباره جهنم برای فردی که مانع انجام فرائض است	آیات ۱۵-۱۸
	دستور به مخاطب برای عدم تبعیت از فردی که مانع انجام فرائض است	آیه ۱۹

جدول (۱): طرح کلی سوره علق

در ادامه، از آنجاکه پایه‌ی ازهم‌گسیختگی آیات و بخش‌های سوره علق بر اخبار آغاز نزول استوار است به نقد دلالتی آن اخبار می‌پردازیم.

۳-۲. نقد اخبار دال بر جدا بودن پنج آیه نخست سوره علق

متن اخبار آغاز نزول (نک: بخاری، ۱۱/۱۹۵۸: ۲؛ حلبی، ۱/۱۹۸۹: ۲۱۶؛ ابن حجر عسقلانی، بی‌تا/۸: ۵۲۱؛ زرقانی، ۱/۱۳۹۳: ۲۲؛ بلاذری، ۱/۱۹۵۹: ۱۰۹) به شدت مضطرب^۱ است و هر یک، این حادثه را متفاوت از دیگری تبیین می‌کنند و

۱. مضطرب، اصطلاحی است در علم درایة الحدیث، برای حدیثی که از لحاظ متن یا سند مختلف نقل شده است.

علاوه‌براین، از یک سو پیامبر اکرم (ص) را فردی ناتوان، ناآگاه و متزلزل نشان می‌دهند و از سوی دیگر با وجود حرمت آزار پیامبر اکرم (ص) (الاحزاب/ ۵۷)، جبرائیل (ع) او را با فشار دادن آزار می‌دهد. این نکات پذیرش آنها را با تردید جدی روبرو می‌کند.

اضطراب متن، از این جهت است که این اخبار چهار یا پنج شکل دارد. در برخی از آنها، پیامبر اکرم (ص) در غار حرا به سر می‌برد و ناگهان فرشته وحی را می‌بیند و فرشته وحی با فشردن حضرت (ص) او را مجبور می‌کند که بخواند. نسخه دیگر، بدون اشاره به نزول سوره علق، پیامبر اکرم (ص) را این بار نه در غار حرا، بلکه بر فراز کوه اجیاد به تصویر می‌کشد. ایشان (ص) فرشته وحی را بر افق می‌بیند که یک پا بر روی پای دیگر انداخته و پیامبر اکرم (ص) درحالی که از مجنون شدن ترسیده، خود را به خدیجه (س) می‌رساند، او (س) ایشان (ص) را دلداری می‌دهد. در نسخه دیگر، پیامبر اکرم (ص) نه در بیداری، بلکه در خواب، رؤیایی می‌بیند. در نسخه دیگری، پیامبر اکرم (ص) نور می‌بیند و صداهایی می‌شنود. در نسخه‌ای، خدیجه (س) او را آرام می‌کند و در نسخه‌ای دیگر، خدیجه (س) نیز ناتوان از درک ماجرا او را نزد ورقه بن نوفل می‌برد (برای مشاهده برخی از نسخه‌های گوناگون اخبار آغاز نزول قرآن کریم نک: بخاری، ۱۱/۱۹۵۸: ۲؛ حلبی، ۱/۱۹۸۹: ۲۱۶؛ ابن حجر عسقلانی، بی‌تا/ ۸: ۵۲۱؛ زرقانی، ۱/۱۳۹۳: ۲۲؛ بلاذری، ۱/۱۹۵۹: ۱۰۹). این اضطراب، پذیرش آنها را با مشکل روبرو می‌کند.

از سوی دیگر بر مبنای این اخبار، پیامبر اکرم (ص) در دوره رسالت خویش، ثبات شخصیتی نداشته است و دچار تحول در شخصیت است. به طوری که گاه برای تکامل یافتن، به کمک یک مسیحی، یعنی ورقه بن نوفل، نیازمند است تا به او (ص) بگوید چه بر سرش آمده است. این خبرها شخصی را به تصویر می‌کشند که

خود، هیچ درکی از اتفاقات پیش‌آمده ندارد و پیامبر اکرم (ص) را چنین نشان می‌دهد که از ترس اینکه مجنون شده باشد، به ورقه بن نوفل پناه می‌برد. از سوی دیگر در صورت پذیرش خبری که پیامبر اکرم (ص) از سوی فرشته وحی برای خواندن فشرده می‌شود و سرانجام برای رهایی از دست او، پاسخ خود را مبنی بر اینکه «نمی‌توانم بخوانم!» تغییر می‌دهد و می‌پرسد «چه بخوانم؟»، با پرسش‌های متعددی روبرو خواهیم شد. نخست اینکه به چه مجوزی فرشته وحی چنین آزاری را بر پیامبر اکرم (ص) روا می‌دارد؛ درحالی که طبق آیات قرآن کریم (التوبه/ ۶۱) چنین کاری حرام است. چرا فرشته وحی چنین عملی را سه بار تکرار می‌کند و چندین پرسش دیگر از این دست.

اشکال دیگر مربوط به ضعف شدید سند است. ضعف‌هایی همچون ارسال، اعضال^۱، ضعف راوی و ... که اعتماد به گزارش‌ها را کاهش می‌دهد (برای مطالعه بیشتر نک: سلطانی، ۱۳۸۰: ۳۷-۲). مخالفت مضمون این گزارش‌ها با آیات قرآن کریم و سنت پیامبر اکرم (ص) وجه دیگر ضعف آنها است.

بنا بر آنچه گذشت، تنها نشانه‌ای که سوره علق اولین سوره‌ای بوده که به پیامبر اکرم (ص) نازل شده است، یعنی اخبار مجعول و موضوع آغاز نزول قرآن کریم، قابل اعتماد نیست و از همین رو باید به دنبال تاریخ‌گذاری سوره علق باشیم تا زمان نزول این سوره به دست آید و براساس این تاریخ تناسب آیات سوره علق تبیین شود.

۱. مُعْضِلٌ، اصطلاحی است در علم درایة الحدیث، برای حدیثی که از آغاز یا میانه سلسله سند آن حدیث، دو نفر از راویان یا بیشتر از دو نفر به صورت متوالی و پشت سر هم از سلسله سند آن حدیث حذف شده باشند و به این رخداد «اعضال» گفته می‌شود.

۳-۳. تاریخ‌گذاری سوره علق

از آنجاکه صحابه آغاز و اتمام نزول یک سوره کامل را با نزول عبارت «بسم الله الرحمن الرحيم» درک می‌کردند،^۱ (نک: فقهی زاده، ۱۳۹۳: ۱۰۳) نباید پنج آیه نخست سوره علق را گسسته از باقی آیات این سوره دانست و اگر ترجمه‌ای از آیات این سوره ارائه می‌شود، باید ناظر بر تمام آیات آن باشد. در این سوره خداوند، به دو انسان اشاره می‌کند: فردی که در حال عبادت است (عَبْدًا إِذَا صَلَّى، العلق / ۱۰) و در مقابل، انسانی طغیانگر که خود را بی‌نیاز پنداشته و آن عبد را که در حال عبادت است، از عبادت نهی می‌کند (كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيْطَغِي «۶» أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَى «۷» إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرَّجْعِي «۸» أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى «۹» عَبْدًا إِذَا صَلَّى «۱۰»)). در این سوره به «صلاة» (نماز) اشاره شده است. روایات متعدد بر وجوب خوانده شدن سوره الحمد در نماز تأکید دارند (کلینی، ۳/۱۴۰۷: ۳۱۱؛ ابن بابویه، ۱/۱۴۱۳: ۳۰۰). با توجه به نظم نزول آیات قرآن کریم منطقی نیست که پنج آیه از سوره علق نازل شود، سپس سوره الحمد نازل شود تا بعد از آنکه نماز و آداب آن و وجوب قرائت سوره الحمد در نماز تبیین شد، آیات واپسین سوره علق که به عبد اشاره دارد و آن عبد در حال نماز است و لابد سوره الحمد را می‌خواند، نازل شود و فرد ناهی را سرزنش کند.

چنانکه زمخشری گزارش می‌کند، بیشتر مفسران نیز سوره الحمد را نخستین سوره‌ای می‌دانند که به پیامبر اکرم (ص) نازل شده است (زمخشری، ۴/۱۴۰۷: ۷۷۵) و نزول سوره علق را بعد از سوره الحمد و القلم تاریخ‌گذاری می‌کنند.

۱. برای نمونه ابن عباس، می‌گوید: «هرگاه بسمله‌ای نازل می‌شد، پیامبر اکرم (ص) و اصحاب، متوجه پایان سوره قبلی و آغاز سوره دیگری می‌شدند.» (نک: بیهقی، ۴۱۶/ق/۲: ۴۲).

بر این اساس باید پذیرفت که سوره الحمد پیش از سوره علق نازل شده است و پس از گذشت مدتی و تبیین شرایط نماز، از جمله وجوب خوانده شدن سوره الحمد در آن، فردی پیدا شده است که عبد در حال نماز را نهی می‌کرده و پس از آن این سوره نازل شده و خداوند در آن به عبد خود دستور داده که: «بخوان!». چنانکه مفسر متقدمی همچون «طبرانی» می‌نویسد: «قوله تعالی: اَقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ؛ آی قرأ القرآن فی صلاتک و...» (طبرانی، ۶/۲۰۰۸: ۵۲۷). بنابراین متعلق واژه «اقرأ» در عبارت «اَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ...»، «اسم رب» یا «قرآن» به شکل مطلق نیست. بلکه «صلاة» یا آیات قرآن موجود در نماز است. بر این اساس باید دید که ریشه «اقرأ» می‌تواند به نماز تعلق گیرد یا خیر.

۳-۴. ریشه‌شناسی ماده «اقرأ»

ریشه‌شناسی ماده «اقرأ»، در زبان‌های خانواده سامی، نشان داده است که قدیمی‌ترین ترکیب حالت ثلاثی «اقرأ» از ثنایی آن (قر)، به معنای «فراخواندن» و «صدازدن» گرفته شده و دو مسیر معنی‌سازی را طی کرده است. نخست، صدازدن به معنی «دعوت کردن (به مهمانی)» و «پذیرایی کردن»؛ دوم، صدازدن به معنی «خواندن/ مطالعه کردن» و «سرودن». زنجیره معنایی نخست، بیشتر در زبان‌های آفریقایی - آسیایی کاربرد داشته است، اما نوع دوم، در زبان‌های سامی شمالی مرکزی و جنوبی که زبان عربی هم از این دست است، یافت شده است (جانی‌پور و ایزدی، ۱۳۹۲: ۲۱-۳۹). بر این اساس ریشه «ق ر ء» در زبان عربی به معنای «از حافظه یا نوشته خواندن» یا «مطالعه کردن» است و نه به معنای صدازدن و دعوت کردن. گفتنی است زبان قرآن کریم، عربی است و بنابراین، با احتمال بیشتر، معنای «خواندن» مد نظر است و برای معناهای دیگر وجود قرینه الزامی است.

مشتقات ریشه «ق ر ء» و متعلقات‌های فعل «قرء» بسیار است و برخی از آنها در قرآن کریم نیز به کار رفته است. چنانکه گاه «قرآن» (برای نمونه نک: الاعراف/ ۲۰۴؛ النحل/ ۹۸؛ الاسراء/ ۴۵)، گاه «کتاب» (برای نمونه نک: یونس/ ۹۴؛ الاسراء/ ۷۱/ ۱۴) و گاهی «تامه اعمال» (الحاقه/ ۱۹) متعلق قرأ هستند. مترجمان و مفسران نیز ذیل عبارت «اَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ»، غالباً متعلقی برای «اَقْرَأْ» معرفی نکرده‌اند و فارغ از آن، آیه را بیانگر کیفیت قرائت می‌دانند (برای نمونه نک: آدینه‌وند، ۶/۱۳۷۷: ۱۱۹۴؛ آیتی، ۱۳۷۴: ۵۹۷؛ الهی قمشه‌ای، ۱۳۸۰: ۵۹۷؛ انصاریان، ۱۳۸۳: ۵۹۷؛ فولادوند، ۱۴۱۸: ۵۹۷؛ گلپنارلی^۱، ۱۹۸۲: ۵۹۷؛ چلیک^۲، بی‌تا: ۵۹۷). برخی «باسم رب» را متعلق «اَقْرَأْ» معرفی می‌کنند (نک: پیکتال، بی‌تا: ۵۹۷؛ آربری، بی‌تا: ۵۹۷) و یا «قرآن» را متعلق آن می‌دانند (نک: سمرقندی، ۳/۱۴۱۶: ۵۹۷). به نظر می‌رسد ریشه این سردرگمی در پذیرش بی‌قید و شرط اخبار، آغاز نزول قرآن کریم و به تبع آن جدا انگاشتن پنج آیه نخستین سوره علق از دیگر آیات این سوره در تفاسیر فریقین است، اما در قرآن کریم ریشه قرء در مورد نماز نیز به کار رفته است: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَ قُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُوداً»^۳ (الاسراء/ ۷۸). در این آیه برای اشاره به «نماز صبح» به صراحت از معادل «قرآن فجر» یعنی ریشه «قَرء» استفاده شده است و مفسران قرآن کریم تأکید کرده‌اند که مقصود از خواندن در این آیه خواندن نماز است، زیرا یکی از ارکان نماز، قرائت است (برای مثال، طوسی، بی‌تا/۶: ۵۰۹؛ زمخشری، ۲/۱۴۰۷: ۶۸۶؛ طبرسی، ۶/۱۳۷۲: ۶۷۰؛

1. Gulpinarli

2. Chelik

۳. نماز را از زوال آفتاب تا نهایت تاریکی شب برپادار، و [نیز] نماز صبح را، زیرا نماز صبح همواره [مقرون با] حضور [فرشتگان] است.

فخررازی، ۲۱/۱۴۲۰: ۳۸۴؛ نیشابوری، ۲/۱۴۱۵: ۱۸؛ بیضاوی، ۳/۱۴۱۸: ۲۶۴؛ ابن عاشور، ۱۴/۱۴۲۰: ۱۴۵). علامه طباطبائی درباره این آیه نوشته است: «و اینکه فرموده: (و قرآن الفجر) عطف است بر کلمه (الصلاة) که تقدیرش چنین می‌شود: (و اقم قرآن الفجر) که مراد از آن نماز صبح است، و چون مشتمل بر قرائت قرآن است، آن را قرآن صبح خوانده، چون روایات همه متفق‌اند بر اینکه مراد از «قرآن الفجر» همان نماز صبح است» (طباطبایی، ۱۳/۱۳۹۰: ۱۷۵). بر این اساس ریشه «قرء» به نماز نیز تعلق می‌گیرد.

۳-۵. از هم‌گسیختگی یا تناسب آیات سوره علق از دیدگاه مفسران

پس از نقد ادله از هم‌گسیخته‌بودن آیات سوره علق، می‌توان سبب تغییر نگرش مفسران به تناسب آیات سوره علق را دریافت. اثرپذیری مفسران قرون نخستین از اخبار مجعول آغاز نزول، در نامتناسب انگاشتن آیات سوره علق به روشنی قابل مشاهده است.

در برخی از تفاسیر اولیه اسلامی (پنج قرن نخست هجری)، تنها به جدا بودن پنج آیه نخست این سوره اشاره کرده‌اند (برای مثال نک: تستری، ۱۴۲۳؛ یزیدی، ۱۴۰۵؛ طبرانی، ۲۰۰۸). علاوه بر این، در اکثر تفاسیر این دوره، امر موجود را در آیه «اقرأ باسم ربك الذي خلق» (العلق / ۱)، دستور به پیامبر اکرم (ص) برای قرائت قرآن کریم می‌دانند (ماتریدی، ۱۰/۱۴۲۶: ۵۷۶؛ ابو عبیده، ۲/۱۳۸۱: ۳۰۴؛ دینوری، ۱۴۲۴ق/۲: ۵۰۷؛ واحدی، ۲/۱۴۱۵: ۱۲۱۶؛ سمرقندی، ۳/۱۴۱۶: ۵۹۷؛ طبری، ۳۰/۱۴۱۲: ۱۶۱؛ مکی، ۱۲/۱۴۲۹: ۸۳۴۹؛ مکی، ۱/۱۴۲۳: ۷۸۳).

هرچند در تفاسیر قرن ششم نیز، رد پای اقوال گذشته را که برآمده از اخبار آغاز نزول بود، می‌توان دید (برای مثال نک: ابن عربی، ۴/۱۴۰۸: ۱۹۵۵)، اما در

برخی دیگر از تفاسیر قرن ششم، ضمن آنکه مفسر به وجود باور ازهم‌گسیخته‌بودن سورهٔ علق نزد اکثر مفسران اشاره می‌کند، این تصور چندان مقبول نیست و علاوه‌براین، دیگر سورهٔ علق اولین سوره‌ای نیست که به پیامبر اکرم (ص) نازل شده است، بلکه سوره‌های دیگر، از جمله «مدثر» یا «حمد» قبل از این سوره تاریخ‌گذاری شده‌اند (طبرسی، ۴/۱۴۱۲: ۵۱۲؛ طبرسی، ۱۰/۱۳۷۲: ۷۸۰). ابن شهرآشوب نیز هرچند قرآن را مفعول آیه معرفی می‌کند، اما دستور آن را عام و مربوط به قرائت قرآن کریم در هر حالی از احوال جسمانی می‌داند (ابن شهرآشوب، ۲/۱۳۶۹: ۱۵۹).

وضع‌ی که در تفاسیر قرن ششم دیده می‌شود، در قرن هفتم نیز تداوم یافته است (شیبانی، ۵/۱۴۱۳: ۳۹۳). نکتهٔ جدیدی که در این دوره از تفاسیر مشاهده می‌شود، این است که حرف «باء» در این آیه به معنای استعانت است (ابن عربی، ۲/۱۴۲۲: ۴۴۵؛ بیضاوی، ۵/۱۴۱۸: ۳۲۵).

علاوه بر نکات پیشین، در تفاسیر قرن هشتم این نکته هم ذکر شده است که حرف «باء» به معنای حرف جر «علی» است، چنانکه سمین می‌نویسد: «أقرأ علی اسم ربک» (سمین، ۶/۱۴۱۴: ۵۴۵) همچنین برخی از تفاسیر این قرن در بیان آنچه از «اسم رب» استعانت می‌شود، تحمل نبوت و ادای رسالت است (خازن، ۴/۱۴۱۵: ۴۴۷). گاه نیز به جای قرآن و آیات آن خود «اسم رب» مفعول جمله در نظر گرفته شده است (نک: ابن جزی، ۲/۱۴۱۶: ۴۹۶؛ ابوحیان، ۱۰/۱۴۲۰: ۵۰۶). ابوحیان همچنین اضافه می‌کند که خطاب در آیه برای اختصاص است و آیه به این معنا است که پیامبر بداند که ربی جز خداوند نیست (ابوحیان، ۱۰/۵۰۶).

در برخی از تفاسیر قرن نهم به حذف مفعول اشاره شده و آن، نشانهٔ توسعهٔ معنای آیه دانسته شده است؛ یعنی هیچ قرائتی نیست مگر به امر خداوند (نک:

بقاعی، ۸/۱۴۲۷: ۴۷۹؛ ثلاثی، ۵/۱۴۲۳: ۵۱۹) ضمن اشاره به اینکه فعل «اقرأ» به معنای افتتاح است، به تفکیک این امر در نماز و غیر آن اشاره کرده است.

در تفاسیر قرن دهم تا دوره معاصر، نوعاً نکته‌ای به مطالب پیشین افزوده نشده است (فیض کاشانی، ۵/۱۴۱۵: ۳۴۸؛ ایچی، ۴/۱۴۲۴: ۵۱۰؛ ابن ابی‌جامع، ۳/۱۴۱۳: ۴۸۱). برخی از مفسران دوران معاصر تنها به این نکته اشاره کرده‌اند که پنج آیه نخست سوره علق نخستین آیاتی بوده که به پیامبر اکرم (ص) نازل شده است (شاه‌عبدالعظیمی، ۱۴/۱۳۶۳: ۲۷۸؛ سلطان علی‌شاه، ۴/۱۴۰۸: ۲۶۵؛ طالقانی، ۴/۱۳۶۲: ۱۷۵؛ مستنبط غروی، ۱۳۸۱: ۲۳۳؛ سبزواری، ۷/۱۴۰۶: ۳۸۹؛ خرم‌دل، ۱۳۸۴: ۱۳۱۳؛ خطیب، ۱۶/۱۴۲۴: ۱۶۲۲؛ قرشی بنابی، ۱۲/۱۳۷۵: ۲۸۹). به نظر می‌رسد اشاره آنان به اینکه این آیات نخستین آیاتی است که به پیامبر اکرم (ص) نازل شده است، خالی از جدانگاری این بخش از سوره علق از سایر بخش‌های آن نیست. از بررسی تفاسیر قرون گذشته، این نتیجه به دست می‌آید که روایات شأن نزول سوره علق که پنج آیه آغازین این سوره را جدا از مابقی این سوره معرفی می‌کنند، نقش قابل توجهی در ارائه تفاسیر داشته‌اند، اما به مرور زمان باور به ازهم‌گسیخته‌بودن آیات سوره علق رنگ باخته و بلکه در معنی آیات، توسعه معنایی به وجود آمده است.

بر این اساس می‌توان دیدگاه مفسران و قرآن‌پژوهان را درباره آیه نخست سوره علق به این شکل جمع‌بندی کرد: یا تحلیل از آیه نخست سوره علق در تفاسیر ارائه نشده است یا آن را دستور به پیامبر اکرم (ص) می‌دانند که ایشان به موجب آن باید نام خداوند را در آغاز کارهای خود ذکر می‌کرده یا باید قرآن کریم را می‌خوانده است که همگی غالباً بر جدانگاری آیات سوره علق از یکدیگر استوارند؛ زیرا با این فرض‌ها، ارتباط میان این دستورات به پیامبر اکرم (ص) و

اشاره به بنده‌ای که در حال نماز است یا فردی که طغیان کرده یا سایر ارکان نماز، نظیر سجده کردن، که همه مواردی است که در این سوره به آنها اشاره شده است، قابل تبیین نیست؛ چنانکه این با حکیم بودن گوینده نیز سازگار به نظر نمی‌رسد و معنا ندارد که فردی حکیم مجموعه‌ای از جملات بی‌ارتباط با یکدیگر را در کنار هم قرار دهد و بخواهد به وسیله آنها، گروهی از انسان‌ها را به مقصود خویش هدایت کند.

۴. نتیجه‌گیری

اخبار آغاز نزول قرآن کریم منجر به ازهم‌گسیخته‌انگاشتن آیات سوره علق شده است، به طوری که در اغلب تفاسیر قرون نخستین، پنج آیه آغازین سوره علق جدا از سایر آیات این سوره در نظر گرفته شده است و این مخالف حکمت خداوند از کنار هم قراردادن مجموعه‌ای از آیات در سوره است. از همین رو تبیین تناسب این سوره یکی از چالش‌برانگیزترین مباحث تفسیری است. نیل رابینسون یکی از قرآن‌پژوهان است که مدلی برای تبیین تناسب آیات سوره‌های بلند مدنی، همچون مائده و بقره، ارائه کرده است که می‌توان از این مدل برای تبیین آیات سوره مورد پژوهش نیز استفاده کرد. براساس این مدل که بر پایه تکرارشدن الفاظ استوار است، نخست بخش‌های یک سوره تعیین می‌شود و پس از آن با کمک واژه‌های قلاب‌دار، ارتباط میان بخش‌های متوالی سوره و درنهایت، طی ارائه مدلی آینه‌ای از بخش‌های سوره، تمام آیات سوره به هم مرتبط می‌شود.

بر این اساس در سوره علق تکرار واژه‌ها بررسی شده و نهایتاً این نتیجه حاصل شد که ارتباط بخش نخست، یعنی آیات یک تا پنجم با سایر بخش‌ها، به‌طور کامل برقرار است. از همین رو نیاز به نقد اخبار آغاز نزول و تعلق‌یابی فعل امر موجود در بخش نخست سوره تبیین شد.

با توجه به ذکر عمل عبادی «صلاة» در سوره علق و با توجه به نازل نشدن سوره‌ای پیش از اتمام سوره پیشین و همچنین، با توجه به لزوم قرائت سوره الحمد در تمام نمازها، سوره الحمد باید پیش از سوره علق نازل شده باشد.

نقد اخبار آغاز نزول، مجعول و ساختگی بودن آنها را به روشنی نشان داده است و تاریخ‌گذاری سوره علق که براساس گزارش تفاسیر، حداقل از قرن ششم هجری، پس از نزول سوره‌هایی مانند مدثر و حمد تعیین شده است، نشان می‌دهد که پنج آیه نخست سوره علق کاملاً مرتبط با سایر آیات این سوره است.

منابع

قرآن کریم.

- آربری، آرتور جان. (بی‌تا). *ترجمه قرآن* (انگلیسی - آربری). بی‌جا. بی‌نا.
آدینه‌وند لرستانی، محمدرضا. (۱۳۷۷). *کلمة الله العلیا*. تهران: اسوه.
- آیتی، عبدالمحمد. (۱۳۷۴). *ترجمه قرآن*. چاپ چهارم. تهران: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران: انتشارات سروش.
- ابن بابویه، محمدبن علی. (۱۴۱۳). *من لا یحضره الفقیه*. به تصحیح علی اکبر غفاری. جلد ۱. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن ابی‌جامع، علی بن حسین. (۱۴۱۳). *الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز (عاملی)*. تحقیق مالک محمودی. جلد ۳. قم: دار القرآن الکریم.
- ابن جزئی، محمد بن احمد. (۱۴۱۶). *التسهیل لعلوم التنزیل*. تحقیق عبدالله خالدی. جلد ۲. بیروت: شرکه دار الارقم بن ابی الارقم.
- ابن حجر عسقلانی، شهاب‌الدین احمد بن علی. (بی‌تا). *فتح الباری فی شرح صحیح بخاری*. جلد ۸. چاپ دوم. بیروت: دار المعرفة للطباعة و النشر.

- ابن شهر آشوب، محمد بن علی. (۱۳۶۹). *متشابه القرآن و مختلفه*. جلد ۲. قم: بیدار.
- ابن عاشور، محمد طاهر. (۱۴۲۰). *تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور*. جلد ۱۴. بیروت: مؤسسة التاریخ العربی.
- ابن عربی، محمد بن عبد الله. (۱۴۲۲). *تفسیر ابن عربی (تأویلات عبدالرزاق)*. تحقیق سمیر مصطفی رباب. جلد ۲. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن عربی، محمد بن علی. (۱۴۰۸). *احکام القرآن*. تحقیق: علی محمد بجاوی. جلد ۴. بیروت: دار الجیل. چاپ نخست.
- ابو حیان، محمد بن یوسف. (۱۴۲۰). *البحر المحیط فی التفسیر*. تحقیق صدقی محمد جمیل. جلد ۱۰. بیروت: دار الفکر.
- ابوعبیده، معمر بن مثنی. (۱۳۸۱). *مجاز القرآن*. به تحقیق: فؤاد سزگین. جلد ۲. قاهره: مکتبه الخانجی.
- الهی قمشه‌ای، مهدی. (۱۳۸۰). *ترجمه قرآن*. چاپ دوم. قم: فاطمه الزهراء.
- انصاریان، حسین. (۱۳۸۳). *ترجمه قرآن*. قم: اسوه.
- ایجی، محمد عبدالرحمن. (۱۴۲۴). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. جلد ۴. بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
- بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۰۷). *الصحیح*. جلد ۱۱. بیروت: دارالقلم.
- بقاعی، ابراهیم بن عمر. (۱۴۲۷). *نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور*. تحقیق عبدالرزاق غالب مهدی. جلد ۸. چاپ سوم. بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
- بلاذری، احمد بن یحیی. (۱۹۵۹). *انساب الاشراف*. جلد ۱. بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- بیضاوی، عبد الله بن عمر. (۱۴۱۸ق). *انوار التنزیل و اسرار التأویل*. جلد ۳ و ۵. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- بیهقی، احمد بن حسین. (۱۴۱۶). *السنن الکبری*. جلد ۲. بیروت: دارالفکر.
- پارت، رودی. (۱۳۹۸). *ترجمه قرآن*. قم: انصاریان و مرکز بررسی‌های اسلامی.

- پیکتال، محمد مارمادوک. (بی تا). *ترجمه قرآن*. نیویورک: بی نا.
- تستری، سهل بن عبد الله. (۱۴۲۳). *تفسیر التستری*. تحقیق محمد باسل عیون سود. بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
- ثلابی، یوسف بن احمد. (۱۴۲۳). *تفسیر الثمرات البانعه و الاحکام الواضحه القاطعه*. جلد ۵. صعه: مکتبة التراث الاسلامی.
- جانن پور، محمد و مهدی ایزدی. (۱۳۹۲). «جستاری در تبارشناسی ماده «قرأ» در ساخت واژه قرآن». «دوفصلنامه پژوهش های زبانشناختی قرآن». ۲/۲: ۲۱-۴۰.
- چلیک، قدری. (بی تا) *ترجمه قرآن*. بی جا، بی نا.
- حلبی، علی بن ابراهیم. (۱۹۸۹). *السیره الحلبیه النبویه: انسان العیون فی سیره الامین و المأمون علیه الصلاه و السلام*. جلد ۱. بیروت: دارالمعرفه.
- خازن، علی بن محمد. (۱۴۱۵). *تفسیر الخازن المسمی لباب التأویل فی معانی التنزیل*. تصحیح عبدالسلام محمد علی شاهین. جلد ۴. بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
- خرمدل، مصطفی. (۱۳۸۴). *تفسیر نور*. چاپ چهارم. تهران: احسان.
- خطیب، عبدالکریم. (۱۴۲۴). *التفسیر القرآنی للقرآن*. جلد ۱۶. بیروت: دار الفکر العربی.
- دینوری، عبد الله بن محمد. (۱۴۲۴). *تفسیر ابن وهب المسمی الواضح فی تفسیر القرآن الکریم*. جلد ۲. بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
- رامیار، محمود. (۱۳۶۹ ش) *تاریخ قرآن*. چاپ سوم. تهران: امیر کبیر.
- زرقانی، محمد بن عبدالباقی. (۱۳۹۳). *شرح علی المواهب اللدنیة للسطلانی*. جلد ۱. بیروت: دار المعرفه.
- زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*. مصحح: مصطفی حسین احمد. جلد ۲ و ۴. چاپ سوم. بیروت: دار الکتب العربی.

- سبزواری، محمد. (۱۴۰۶). *الجدید فی تفسیر القرآن المجید*. جلد هفتم. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- سلطان علی شاه، سلطان محمد بن حیدر. (۱۴۰۸). *بیان السعادة فی مقامات العبادة*. جلد ۴. چاپ دوم. بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- سلطانی، مصطفی. (۱۳۸۰). «بررسی احادیث آغاز وحی». *علوم حدیث*. ۲۰: ۲-۳۷.
- سمرقندی، نصرین محمد. (۱۴۱۶). *تفسیر السمرقندی المسمی بحر العلوم*. تصحیح عمر عمروی. جلد ۳. بیروت: دار الفکر.
- سمین، احمد بن یوسف. (۱۴۱۴). *الدر المصون فی علوم الكتاب المکنون*. تحقیق احمد محمد صیره. جلد ۶. بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
- شاه عبدالعظیمی، حسین. (۱۳۶۳). *تفسیر اثنی عشری*. جلد ۱۴. تهران: میقات.
- شریفی، علی. (۱۳۸۴). «با قرآن پژوهان جهان؛ نیل رابینسون». *گلستان قرآن*. ۲۰۷: ۳۵-۴۵.
- شیبانی، محمد بن حسن. (۱۴۱۳). *نهج البیان عن کشف معانی القرآن*. تحقیق حسین درگاهی. جلد پنجم. قم: نشر الهادی.
- طالقانی، محمود. (۱۳۶۲). *پرتوی از قرآن*. جلد ۴. چاپ چهارم. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۹۰). *المیزان فی تفسیر القرآن*. جلد ۱۳. چاپ دوم. بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- طبرانی، سلیمان بن احمد. (۲۰۰۸). *التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم*. جلد ۶. اردن: دار الكتاب الثقافی.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۲). *تفسیر جوامع الجامع*. تصحیح ابوالقاسم گرجی. جلد ۴. قم: حوزه علمیه قم.
- _____ . (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تصحیح فضل الله یزدی طباطبائی و هاشم رسولی. جلد ۶ و ۱۰. چاپ سوم. تهران: ناصر خسرو.
- طبری، محمدبن جریر. (۱۴۱۲). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. جلد ۳۰. بیروت: دارالمعرفه.

- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). *التبیین فی تفسیر القرآن*. تحقیق: احمد حبیب عاملی. جلد ۶. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فخررازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰). *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*. جلد ۲۱. چاپ سوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فقهی زاده، عبدالهادی. (۱۳۹۳). *پژوهشی در نظم قرآن (مبانی تاریخی و مسائل علم تناسب تحلیل علل پراکنده نمایی و عدم تفکیک موضوعی در قرآن)*. تهران: انتشارات سخن.
- فولادوند، محمدمهدی. (۱۴۱۸). *ترجمه قرآن*. تحقیق هیئت علمی دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی). چاپ سوم. تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. (۱۴۱۵). *تفسیر الصافی*. تصحیح حسین اعلمی. جلد ۵. چاپ دوم. تهران: مکتبه الصدر.
- قرشی بنابی، علی اکبر. (۱۳۷۵). *تفسیر احسن الحدیث*. جلد ۱۲. چاپ دوم. تهران: بنیاد بعثت.
- کلینی. محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). *الکافی*. تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. جلد ۳. چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- گلپنارلی، عبدالباقی. (۱۹۸۲). *ترجمه قرآن*. قم: انتشارات انصاریان.
- ماتریدی، محمد بن محمد. (۱۴۲۶). *تأویلات اهل السنه (تفسیر الماتریدی)*. تحقیق مجدی باسلوم. جلد ۱۰. بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
- ماسون، دونیز. (بی تا). *ترجمه قرآن*. قم: انتشارات انصاریان.
- مستنبت غروی، مرتضی. (۱۳۸۱). *مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن*. بی جا: شرکت سهامی چاپ کتاب آذربایجان.
- مکی، ابن حموش. (۱۴۲۹ق). *الهدایة الی بلوغ النهایة*. جلد ۱۲. شارجه: جامعة الشارقة، کلیة الدراسات العلیا و البحث العلمی.

- _____ (١٤٢٣). *مشکل اعراب القرآن*. تصحیح یاسین محمد سواس. جلد ١. چاپ سوم. بیروت: دار الیمامه.
- نیشابوری، محمود بن ابو الحسن. (١٤١٥). *ایجاز البیان عن معانی القرآن*. تحقیق: حنیف قاسمی. جلد ٢. بیروت: دار الغرب الاسلامی.
- واحدی، علی بن احمد. (١٤١٥). *الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز*. تحقیق: صفوان عدنان داوودی. جلد ٢. بیروت: دار القلم.
- یزیدی، عبد الله بن یحیی. (١٤٠٥). *غریب القرآن و تفسیره*. تحقیق محمد سلیم الحاج. بیروت: عالم الکتب.

Robinson., N. (2001). "Hands outstretched: Towards a re-reading of surat al-ma'ideh". *Journal of Quranic Studies*. 3(1): 1-19.